

حقوق فرزندان ؛ فصل هفتم : فرزند و جامعه 1- برخورد های اجتماعی فرزندان / الف

زندگی جمعی ، آداب و شرایطی دارد تا محیط را برای زندگی سالم و تواءم با آرامش آماده کند و زمینه های نزاع و دشمنی را از میان بردارد. از این رو پیشوایان الهی (علیهم السلام) برای تحکیم روابط بین انسانها و تحقق زندگی مطلوب و متعالی توصیه هایی بیان فرموده اند که بدون شك به کار بستن این دستورات الهی سلامت همه جانبه جامعه و روابط نیکوی انسانی را تضمین خواهد کرد کودکان و نوجوانان بخش عظیمی از اجتماع را تشکیل می دهند شخصیت آنان و ...

حقوق فرزندان ؛ فصل هفتم : فرزند و جامعه 1- برخوردهای اجتماعی فرزندان / الف

از آنجایی که فطرت انسانی بر انس و رابطه با یکدیگر پایه گذاری شده ، دوست دارد همیشه زندگی جمعی داشته باشد و از انزوا و گوشه گیری متنفر است .

زندگی جمعی ، آداب و شرایطی دارد تا محیط را برای زندگی سالم و تواءم با آرامش آماده کند و زمینه های نزاع و دشمنی را از میان بردارد. از این رو پیشوایان الهی (علیهم السلام) برای تحکیم روابط بین انسانها و تحقق زندگی مطلوب و متعالی توصیه هایی بیان فرموده اند که بدون شك به کار بستن این دستورات الهی سلامت همه جانبه جامعه و روابط نیکوی انسانی را تضمین خواهد کرد کودکان و نوجوانان بخش عظیمی از اجتماع را تشکیل می دهند شخصیت آنان و نحوه آشنایی شان با آداب و روابط و نوع برخوردهای اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرد. و این والدین هستند که با نقش حیاتی و تأثیر همه جانبه خود در سرنوشت کودکان مسیر زندگی آنها را رقم می زنند. اگر والدین به کودکان تعلیم دهند که آنان از عزت نفس و کرامت شخصیت برخوردارند و دیگران هم همین طور. بنابراین احترام به شخصیت خود و دیگران جزء خوی و خصلت دائمی کودکان می گردد و از فخر فروشی بی معنا و تعدی به حقوق دیگران و بدخلقی و خشم بر آنها رویگردان می شوند و به دهها صفت نیکوی اخلاقی آراسته می گردند که زمینه ساز موفقیت و خوشبختی در زندگی اجتماعی و همزیستی تکاملی با دیگر هموعان است .

خلاصه : ارزش ها و ضدا ارزش هایی که در جامعه به چشم می خورد به طور عمده ریشه در رفتار و گفتار والدین از طریق رفتار با فرزندان دارد و نوع تربیتی که از خانواده به فرزندان الهام و تلقین می شود و آنها را سمت و سو می دهد، جامعه حال و آینده را هم شکل و جهت می دهد و دانه هایی که درون خانه و خانواده کاشته می شود در دل اجتماعات انسانی برگ و بار می دهد.

شناخت شخصیت خود

نخستین درسی که باید اولیا به فرزندان خود بیاموزند این است که آنان را در خودشناسی یاری کنند و به آنها تعلیم دهند که خداوند انسانها را عزیز، باکرامت ، آزاد و با سرشتی پاک و آسمانی آفریده است و دوست ندارد آدمی به دست خویش خوار و ذلیل گردد.

انبیاء الهی نیز مبعوث شدند تا انسان را برای رسیدن به قله های کمال و کرامت هدایت نمایند. از اینرو بر والدین است که به فرزند خود تبیین کنند که : تو با این کرامت انسانی در جامعه زندگی می کنی و اگر خدای نخواست روزی این کرامت را بر باد دهی مردم برای تو هیچ ارزشی قائل نخواهند شد. سپس فرزندان را به آنچه که شخصیت شان را خوار و بی مقدار می سازد و به آبرو و حیثیت آنان لطمه می زند آگاه سازند.

اظهار فقر باعث انحطاط شخصیت است

لقمان حکیم به فرزند خود گفت : یا بنی ذقت الصبر واءکلت لحاء الشجر فلم اءجد شیئا امر من الفقر فان بلیت به یوما، ولاتظهر الناس علیه فیستهینوک و لاینفعوک بشی ء، ارجع الی الذی ابتلاک به فهو اءقدر علی فرجک ، وسله من ذا الذی ساءله فلم یعطه او وثق به فلم ینجه .(456)

فرزندم من طعم گیاه تلخ صبر را چشیدم و پوست درخت را خوردم و چیزی تلخ تر از فقر نیافتم .

پس اگر روزی به فقر مبتلا شدی به مردم اظهار نکن که در این صورت تو را کوچک و پست می شمارند و نفعی نیز به تو نمی رسانند.

فرزندم - در این حالت - به سوی کسی باز گرد که تو را به فقر مبتلا ساخته و تو را مورد آزمایش قرار داده است (و از او بخواه تا گرفتاریت را بر طرف سازد). زیرا او تواناتر است که در کارت گشایش حاصل کند. فرزندم نیازت را از خدا بخواه ، کیست که از حضرتش چیزی درخواست کرده باشد اما خدا به او عطا نکند یا به خدا اعتماد کند و او نجاتش ندهد!

به دارایی دیگران چشم ندوز

ابو حمزه ثمالی گوید: دعا حذیفه بن الیمنی ابنه عند موته فاءوصی الیه و قال : یا بنی اءظهر الیاءس مما فی اءیدی الناس فان فیہ العنی و ایاک و طلب الحاجات الی الناس فانه فقر حاضر.(457)

حذیفه بن یمن در حال احتضار فرزند خود را طلبید، و به او چنین سفارش کرد: فرزندم ! از آنچه که در دست مردم است مایوس و ناامید باش ، زیرا دارایی و بی نیازی تو در همین است (که به ثروت دیگران چشم ندوزی)، مبادا نیازهایت را از مردم مطالبه کنی چرا که فقر واقعی چیزی جز این نیست.

عزت مؤ من در بی نیازی او از مردم است

علی (علیه السلام) به فرزند خود امام حسین - علیه السلام - می فرماید: اءی بنی عز المؤمن من غناه عن الناس .(458)

فرزندم ! بزرگی و سروزی مؤ من در بی نیازی او از مردم است .

خود را در جامعه ذلیل مکن

لقمان حکیم به فرزند خود می فرماید: یا بنی ایاک ان تستذل فتخزی .(459)

فرزندم ! مبادا خودت را خوار و بی مقدار کنی که رسوا خواهی شد.

اگر عزت دنیا را می خواهی

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که لقمان به فرزند خود می گفت : ... فان اردت اءن تجمع عز الدنیا فاطع طمعک مما فی اءیدی الناس ، فانما بلغ الاءنبیاء و الصدیقون ما بلغوا بقطع طمعهم .(460)

اگر می خواهی سروری و قدرت دنیا از آن تو گردد، حرص و آز خود را از داراییهای مردم منصرف و ریشه کن ساز. زیرا پیامبران و صدیقان به هر مقامی که دست یافته اند در پرتو برکندن حرص و آز بوده است .

احترام به شخصیت دیگران

همچنانکه برای هر کس حفظ آبرو و شخصیت خویش واجب است و به سادگی نباید آن را از کف بدهد، احترام به شخصیت دیگران نیز در جامعه امر ضروری است .
از اینرو پدر و مادر بایستی به فرزندانشان بیان کنند که دیگران نیز همانند آنان دارای شخصیت و آبرو هستند. همچنانکه آنان حاضر نیستند که در جامعه ، مورد تمسخر و تحقیر واقع شوند، دیگر افراد جامعه نیز متقابلا همین انتظار را دارند و نبایستی مورد مسخره و استهزا قرار گیرند. بنابراین بیاییم و با درک بهتری از شخصیت دیگران روح محبت و اخوت و تعاون را در جامعه تحکیم سازیم ، و این جز در پرتو عمل به آداب اجتماعی اسلامی میسر نخواهد شد.

456- کافی ، ج 4 ، ص 22. (صبر نام گیاهی است زرد رنگ و تلخ مزه).

457- امالی صدوق ، ص 287.

458- تحف العقول ، ص 365.

459- اختصاص مفید، ص 332.

460- بحار الاءنوار، ج 13، ص 419.